

نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین علیهم‌السلام

اسماعیل جعفری کرفستانی^۱

چکیده

در نظام تربیتی اسلام بازی از ارزش و جایگاه والائی برخوردار است. در مکتب اسلام آنچه به عنوان زیربنا و اساس حرکت‌های فکری و عملی انسان پذیرفته شده اعتقادات و باورهای است که انسان در عمق وجود خویش آنها را جای داده است. اهمیت اعتقادات مکتبی را در اسلام هر محقق منصفی می‌تواند از این مکتب در یابد و آن را به وضوح احساس نماید. تربیت از آنجا که رابطه مهمی با باور و اعتقادات قلبی دارد می‌تواند نقش مهم و اساسی را بازی نماید. تمام دستورالعمل‌های مکتبی که در قرآن و فرمایش معصومین علیهم‌السلام آمده اند یا او را آماده و پرورده می‌کنند تا به راحتی حق را بپذیرد و باورهای مکتبی را در قلب خویش وارد کند و با اینکه زمینه را برای طرد باورهای غلطی که قبلاً وارد دل او شده‌اند مهیا می‌دارد. روش تحقیق در این مقاله روش کتابخانه‌ای است و در این نوشتار در صدد هستیم تا با مراجعه به اسناد و مکتوبات مرتبط به بررسی موضوع مورد بحث بپردازیم.

واژگان کلیدی: بازی، تربیت، کودک، قرآن، سنت معصومین علیهم‌السلام

مقدمه

بازی طبیعی‌ترین فعالیت برای بچه‌هاست. کودکان از طریق بازی خود را نشان می‌دهند. دنیای خود را کشف می‌کنند و درباره آن می‌آموزند. اگرچه ممکن است ما، بازی را فقط در حد سرگرمی، شادی و یک نوع تفریح، برای بچه‌ها قلمداد کنیم، ولی فعالیتی بسیار مهم برای کودکان است. از طریق بازی کردن، کودکان بسیاری از مهارت‌هایی را که در بزرگسالی به آن نیاز دارند یاد می‌گیرند. بازی مهارت‌های زبانی و استدلالی کودکان را تقویت کرده، باعث تفکر آزاد و مستقل در آنها می‌شود و در حل مشکلات به آنها کمک می‌نماید. بازی کردن، به کودکان کمک می‌کند تا بیشتر بر رفتار خود تمرکز کنند و آن را کنترل نمایند. به وسیله‌ی بازی کردن کودکان به کشفیات مختلفی می‌رسند، قضاوت و استدلال کردن را می‌آموزند و خلاقیت را فرا می‌گیرند و در نتیجه، فرایند فکری آنها در ضمن رشد کردن، بهبود می‌یابد. اخیراً پیشرفت‌هایی در تحقیقات مغزی شده که نشان می‌دهد تجارب اولیه فرد، اثر بسیار زیادی در رشد مغز دارد. بازی کردن، بخش حیاتی این تجارب اولیه است. بازی نه فقط در کودکان نشاط می‌آفریند، بلکه به آنها یاد می‌دهد دنیای خود را شناخته، جای خود را در آن بیابند. از طریق بازی، در محیطی امن، بچه‌ها موفقیت را تجربه می‌کنند، نقش‌های مختلف را بازی می‌کنند و مسئولیت رفتار خود را به عهده می‌گیرند و با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند.^۱ کودک در حین بازی می‌دود، راه می‌رود و می‌پرد، عضلات خود را تقویت می‌کند، در عین حال راجع به دنیای پیرامون خودش اطلاعات فراوانی کسب می‌کند، زیرا از اکتشاف و مطالعه و شرکت در بازی نکات جالبی در ذهن

۱. افشاری، پرند، «کودکان نیاز به بازی دارند»، نشریه پیام زن، شماره ۲۱۷،

ثبت می کند که بعداً در پرورش قوای ذهنی، اخلاقی وی مؤثر است. بازی از ضروریات زندگی و صفا بخش روح کودکان و بهترین نشانه برای تربیت آنان در رده های مختلف سنی است. راسل معتقد است «دوست داشتن بازی بارزترین علامت ممیزه بچه های حیوانات و خواه انسان و غیر آن و این در بچه های انسان با شغف و خوشحالی بی پایانی همراه و توأم است»^۱

مفهوم شناسی

بازی: هرگونه فعالیت جسمی یا ذهنی هدف داری که در اوقات فراغت یا اشتغال و در جهت کسب لذت، تمدد اعصاب، آرام بخشی جسم یا ذهن بازیگر و اقناع نیازهای آنی یا دراز مدت فرد یا گروه چه به صورت انفرادی یا گروهی انجام گیرد، بازی نامیده می شود.^۲

کودکی: دوره ای از رشد بین طفولیت و نوجوانی.^۳

تربیت: به معنای افزودن و رشد و نمو کردن است، مجموعه ای از اعمال یا تأثیرات عمومی و هدف دار یکسان انسان (مربی) به منظور اثرگذاری بر شناختها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتارهای (مربی) بر اساس برنامه ای سنجیده تربیت نام دارد.^۴

سنت: به معنای مجموعه رفتار و گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او می باشد.^۵

۱. شوقی، عباس، در تربیت، برتراند راسل، ص ۱۱۱.

۲. مهجور، رضا سیامک، روانشناسی بازی، ص ۳۰.

۳. سن رنر، آرتو، ز، Dictionary of psychology، ص ۱۱۸.

۴. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۲.

۵. همان.



بیان مسأله

بر صاحبان بصیرت و طالبان حقیقت، پوشیده نیست که هدف از ارسال پیامبران و انزال وحی و تشریح شریعت و در تبیین حقیقت، رشد آدمی است. بدون شک، مربیان چه والدین و چه غیر والدین باید طفل را در مسیری قرار دهند که از رشد باز نماند و آن هم به گونه‌ای که تنش در خدمت بندگی و دلش در معرفت حق و سرش در محبت به هم نوع باشد در انسان‌های بالغ و کودکان دانش آموزان این هدف‌ها از راه تقویت ایمان و فعالیت‌های واقع‌گرایانه و تفکر و عبادت و ورزش و بازی حاصل می‌شود، اما در دوره اولیه کودکی، راهی جز گرایش کودک به بازی وجود ندارد. او در ضمن بازی‌های مطلوب هم تنش برای خدمت آماده می‌شود و هم اهل معرفت و محبت بار می‌آید به همین جهت است که کودکی و بازی با عنایت به رهنمودهای اسلامی، لازم و ملزوم یکدیگرند و اگر بازی را از کودک بگیرند نه تنها او را از رشد محروم می‌کنند، بلکه حیات را هم از او می‌گیرند.^۱ گاه تصور می‌شود بازی یک فعالیت زائد و لغو و بیهوده است در صورتی که اگر امری لغو و بیهوده بود، قطعاً طراح آفرینش شور و شوق نسبت به آن را در نهاد طفل به ودیعت نمی‌گذارد و این همه رهبران بزرگ اسلام در اهمیت آن داد سخن نمی‌دادند. اگر در طی مراحل رشد کودکی، کودک رشد مطلوب را کسب نماید و دوران کودکی رضایت بخشی را سپری کند آنگاه به صورت فردی شاد و سرزنده به زندگی مسرت بخش خویش ادامه خواهد داد. یکی از راه‌هایی که در این مرحله از رشد ممکن است به نحو موفقیت آمیزی حاصل شود. برخورداری از فرصت کافی برای بازی آزاد است.^۲ کودک از کارهای جدی خیلی زود خسته می‌شود، زیرا محدودیت پیدا می‌کند و روح

۱. بهشتی، احمد، *اسلام و بازی کودکان*، صص ۹-۱۰.

۲. انگجی، لیلی، عسگری، عزیزه، *بازی و تاثیر آن در رشد کودک*، ص ۱۵.

لطیف او چندان تحمل محدودیت ندارد اما از بازی، بخصوص بازی‌های متنوع بسیار دیر خسته می‌شود، بنابراین ما باید از کانال بازی طفل را هر چه بیشتر با زندگی فردایش ارتباط دهیم و سعی کنیم که از رهگذر بازی او را برای فعالیت‌ها و تلاش‌های جدی آماده گردانیم. اگر خردسالان که طبعاً کمتر می‌توانند جدی کار کنند، از بازی محروم بمانند هرگز به رشد لازم جسمی و روحی و فکری و عاطفی نایل نخواهد شد.^۱ با عنایت به آنچه گفته شد، مسأله تحقیق حاضر این است که از دیدگاه قرآن و سنت معصومین علیهم السلام، بازی در تربیت کودک چه نقشی دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

بازی کردن، نوعی استعداد فطری نزد کودک است که در خلال آن رهایی از انرژی زاید دست می‌دهد. بازی، مقدمه‌ای برای عمل جدی هدمند بوده و در بازی است که کودک به توانایی‌های خود در برقراری ارتباط با دیگران و قدرت زبانی، عقلی و جسمی نهفته در وجودش پی می‌برد. نیز در حین بازی است که کودک نسبت به ویژگی‌های اشیای پیرامون خود شناخت دقیقی کسب می‌کند. بنابراین، بازی فایده‌های زیادی برای کودک دارد و در این مرحله (خردسالی) و مرحله پس از آن از نیازهای ضروری او شمرده می‌شود. کودک از طریق بازی روش‌های تسلط بر خود و کمک به دیگران و اعتماد به نفس را فرا می‌گیرد بازی‌ها مایه بهجت و سرور روحی کودک می‌شوند و استعدادها و توانایی او را بر ابداع و نوآوری بارور می‌سازند. در حین بازی رشد روحی، عقلی، اجتماعی و عاطفی کودک تحقق می‌یابد و وی با معیارهای اجتماعی، نحوه کنترل هیجانات و نظم و قانون و همیاری آشنا می‌شود و نیازهایش همچون علاقه به تملک ارضا

۱. بهشتی، احمد، پیشین، صص ۲۱-۲۲.

می‌گردد و احساس بهره‌مندی می‌کند و کودکی‌اش را با خوبی و خوشی سپری می‌نماید. بنابراین، بازی نیازی ضروری برای کودک است و ما نمی‌توانیم کودکی را تصور کنیم یا ببینیم که بازی نمی‌کند؛ حتی پیامبران و شایستگان دیگر نیز از مرحله بازی عبور کردند؛ اگرچه در چگونگی و شیوه‌های بازی میان آنان و دیگران تفاوت بود؛ از این رو در روایات بر اشیاع نیاز به بازی تأکید شده است.

جایگاه بازی کودک در قرآن

کلمه «لعب» و مشتقات آن در آیات بسیاری مطرح شده است. «لعب» در معانی مختلفی از جمله بازی کردن، شادی کردن و شوخی کردن به کار می‌رود. از نظر اسلام، بازی و سرگرمی، چنانچه عنوان «لهو» پیدا کند، حرام خواهد بود. «لهو» در لغت به معنای چیزی است که انسان را سرگرم نموده، فکرش را منحرف کند و او را از چیزی غافل نماید به طور معمول، کلمه «لهو» همراه با کلمه «لعب» به کار می‌رود، اما چنانچه بازی و سرگرمی، تحت عنوان «لهو» قرار نگیرد، یعنی موجب مشغولیت بیهوده فکر و بازداشتن انسان از مسائل مهم و جدی زندگی و اتلاف عمر نباشد و یک کلمه، هدفدار، سازنده و عقلایی باشد، اشکالی نخواهد داشت.^۱

خداوند در قرآن کریم، به همه ابعاد زندگی بشری توجه نموده و راهنمایی‌های لازم برای سعادت انسان در دنیا و آخرت را مبذول داشته است. گاه در قالب یک داستان، پیامها و نکات ارزشمندی نهفته است که انسان را تفکر و تدبیر وا می‌دارد. بازی کودک نیز از جمله موضوعاتی است که به طور غیرمستقیم در سوره یوسف به آن سفارش شده است. در داستان آموزنده یوسف و برادرانش، از زبان برادران یوسف؛ چنین می‌خوانیم: «قالوا یا ابانا ما لک لا تامنا علی

۱. صبوری، حسین، چکیده ورزش در اسلام، ص ۶۱.

یوسف و انا له لناصحون ارسله معنا غدا یرتع و یلعب و انا له لحافظون»^۱ گفتند پدر، چرا درباره یوسف از ما ایمن نیستی؟ با اینکه ما خیر خواه او هستیم او را فردا همراه ما بفرست تا بگردد و ما نگهبان اویم. برادران یوسف، نقشه یک توطئه و خیانت بزرگ را در سر دارند و یعقوب هم سخت نگران است. آنها برای اینکه توطئه خود را عملی کنند، در موضع افرادی که خیر خواه و امین برادر خرد سال خود هستند سخن می‌گویند، آنها از پدر گله می‌کنند که چرا آنها را امین یوسف نمی‌داند و چرا درباره خیر خواهی آنها شک دارد؟ آنها می‌خواهند بگویند که اگر یوسف را به دست آنها بسپارد، او را به صحرا می‌برند و در فضای آزاد، با او همبازی می‌شوند و به او فرصت گردش می‌دهند و در عین حال، محافظتش می‌کنند که دچار حادثه ناگواری نشود معلوم می‌شود مطابق منطق اینان، امین و خیر خواه کودک آن کسی است که کودک را به صحرا گردی و کوه نوردی و بازی و مسابقه ببرد و هر لحظه بر نشاط او بیفزاید و مانع افسردگیش گردد. مسلماً چنین منطقی مورد قبول حضرت یعقوب علیه السلام است به همین جهت پاسخی که وی به آنها می‌دهد این نیست که، مثلاً شما اشتباه می‌کنید و کودک معصوم من، اهل گردش و بازی نیست و نباید عمر عزیز خود را در این راه‌ها تلف کند و... پس می‌توان گفت مطابق این آیه انسان نیازمند تفریح و ورزش است و قوی‌ترین منطقی که توانست حضرت یعقوب را تسلیم خواسته فرزندان کند، این بود که یوسف نیاز به تفریح دارد.^۲ اما پدر، از اینکه مبادا یوسف در اثر غفلت آنان طعمه گرگ شود، ابراز نگرانی می‌کند پسران در پاسخ می‌گویند: «لئن اكله الذئب و نحن عصبه انا اذا لخاسرون».^۳

۱. یوسف: آیات ۱۲-۱۱.

۲. قرآنی، محسن، تفسیر نور، ص ۵۳.

۳. یوسف: آیه ۱۴.

اگر او را گرگ بخورد، با این که ما گروه نیرومندی هستیم ما از زیانکاران خواهیم بود. بالاخره پدر را قانع ساخته و یوسف را با خود به صحرا برده و در چاه می‌اندازد حال می‌باید عذر موجهی برای پدر بیاورد و دلیل قانع کننده‌ای برای غفلت خود از یوسف ارائه دهند، گفتند: «یا ابانا الا ذهبنا نستیق و ترکنا یوسف عند متاعا فاکله الذئب»^۱ ای پدر، ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم و یوسف را نزد اثاث خود گذاردیم و گرگ او را خورد.

برخی از نکاتی که از این داستان به دست می‌آید عبارتند از:

۱. نیرومندی و ورزشکار بودن، یک مزیت و فضیلت است و به همین دلیل برادران یوسف در دو جا مطرح می‌کنند که ما گروهی نیرومند و ورزشکاریم.
۲. بازی کردن و تحرک را که خود، نوعی ورزش است برای کودکان لازم و ضروری می‌داند به همین جهت، برادران یوسف به بهانه بازی کردن، یوسف را از پدرش که خود یک پیامبر الهی و معصوم و دارای بینش کافی است، جدا می‌کنند و او به این که بازی برای کودک لازم است، اعتراض نمی‌کند. عدم اعتراض حضرت یعقوب علیه السلام نشان می‌دهد که ایشان بازی را برای کودک لازم می‌داند و قرآن کریم نیز این امر را از یعقوب علیه السلام پذیرفته و او را به واسطه فرستادن یوسف علیه السلام به بازی مواخذه نمی‌کند.
۳. بازی، تحرک و ورزش بهتر است در هوای آزاد، محیط باز و فضای سبز صورت گیرد، نه در محیط در بسته و تنگ و به دور از طبیعت، بدین جهت برادران یوسف به پدر می‌گویند: «یرتع و یلعب» تا یوسف در چمن و مراتع بگردد و بازی کند.

۴. در حالیکه برادران یوسف، بزرگ‌ترین و نابخشودنی‌ترین گناهان را مرتکب شده و به قول خودشان برادرشان را از روی غفلت به کشتن داده‌اند، مستندترین عذری که ارائه می‌کنند، اشتغال به ورزش و مسابقه ورزشی است و آن پیامبر هم به آنان خرده نمی‌گیرد که چرا به ورزش و مسابقه ورزشی پرداختید.^۱

این نکات ظریف، روشن می‌سازد که قرآن کریم بازی کودک را تأیید می‌نماید و ضرورت آن را مورد توجه قرار داده است. در آیات دیگری از قرآن نیز، بازی و سرگرمی تحت عنوان «لهو و لعب» مطرح گردیده است. تعبیر لهو درباره دنیا برای این است که زندگی دنیا انسان را از یاد حق و آخرت غافل می‌کند چنانچه می‌فرماید: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَلِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ»^۲ زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و خانه آخرت بهتر است.

علامه طباطبایی می‌فرماید:

«زندگی دنیا بر محور سلسله‌ای از عقاید اعتباری و مقاصد وهمی می‌چرخد، چنانکه بازی این چنین است و به این لحاظ، زندگی دنیا بازی است و چون زندگی دنیا انسان را از زندگی آخرت که حقیقی و همیشگی است، باز می‌دارد، لهو و سرگرمی است اما زندگی آخرت، بدین لحاظ که حقیقی و پایدار است بهتر است و این در خور کسانی است که اهل تقوایند.»^۳

به همین لحاظ است که قرآن در جای دیگری می‌فرماید:

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» این زندگی دنیا جز لهو و لعب نیست و خانه آخرت، خود زنده است اگر بدانند^۴

۱. صبوری، حسین، پیشین، صص ۴۰-۴۲.

۲. انعام، آیه ۳۲.

۳. طباطبائی، محمدحسین؛ تفسیر المیزان، ص ۵۶.

۴. عنکبوت، آیه ۶۴.

علامه طباطبایی می‌فرماید:

«تمام هدف‌هایی که دنیا طلبان و ستمگران دنبال می‌کنند، اموری وهمی و سراب مانند است مانند اموال و همسران و فرزندان و انواع تقدم‌ها و صدارت‌ها و ریاست‌ها و سروری‌ها و خدمه و یاران و اطرافیان انسان، جز در ظرف وهم و خیال، مالک اینها نیست اما زندگی آخرت که انسان، با کمال واقعی خود در آن گذران می‌کند و با ایمان و عمل صالح خود آن را ساخته، همان موضوع اهمیت بازی است که در اشتغال به آن، لهوی نیست و همان موضوع جدیت بازی است که در آن، بازی و لهو و گناهی نیست و همان بقائی است که برای آن فنائی نیست و همان لذتی است که برای آن رنج و المی نیست و همان سعادت است که بر آن شقاوتی نیست. پس حیات به معنی حقیقی کلمه، همان است»^۱.

برای طفل، جز این راهی و گریزی نیست که از واقعیت‌های عمقی و حتی سطحی باز نماند و خود را غرق در دریای بیکران امور خیالی و سراب بازی‌ها و سرگرمی‌ها کند تا بتواند آرام آرام رشد نماید و به تدریج از پل بازی‌ها و سرگرمی‌ها بگذرد و به واقعیت‌ها راه پیدا کند می‌توان انسان‌ها را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. کودکان که باید لهو و لعب داشته باشند تا با تمرین در امور غیرواقعی خود را به واقعیات برسانند. این، برای آنها امری طبیعی است به عنوان مثال دختر بچه‌ها با عروسک‌ها بازی می‌کنند و عملاً می‌بینیم که تمرین مادری می‌کنند و پسر بچه‌ها با تفنگ بازی کرده و تمرین جنگ می‌کنند.
۲. مردم عادی که عملاً همان کاری که مورد تمرین بچه‌ها در بازی‌هاست اجرا می‌کنند یعنی مادری، پرستاری، معلمی، طبابت، جنگ، سازماندهی،

۱. طباطبائی، محمدحسین، پیشین، ص ۱۵۶.



مدیریت، قضاوت و غیره؛ اما کار اینها هم از عمق واقعیت و واقعیت عمقی به دور است، زیرا هدفشان از دنیا و زندگی دنیا خود همین دنیا و زندگی دنیا است به فرموده قرآن کریم: «یعلمون ظاهراً من الحیاء الدنیا و هم عن الآخره هم غافلون» اینها ظاهر زندگی دنیا را می دانند و از آخرت غافلند.^۱

آنها که دنیا را هدفی می دانند دنیایشان مذموم است و تمام زندگی آنها بازی و بازیچه است و حتی زندگیشان به اندازه زندگی کودکان هم ارزش ندارد، زیرا کودک به خاطر تجربه آموزی و کسب آگاهی و معلومات، بازی می کند و اینها به خاطر هیچ.

۳. مردم دیندار و متقی که کارهایشان در رابطه با عمق واقعیتها است و دنیایشان محمود است، چرا که دنیا را وسیله و مزرعه آخرت می دانند.

جایگاه بازی و سرگرمی در سنت معصومین علیهم السلام

از دیدگاه آموزه های دینی، تفریح و سرگرمی فقط مخصوص کودکان نیست، بلکه بزرگسالان نیز می توانند با سرگرمی های مناسب خود را از کسالت نجات دهند. در حکمت ۳۹۰ نهج البلاغه آمده است مؤمن را سه ساعت است. ساعتی که در آن با پروردگارش به راز و نیاز است. و ساعتی که در آن زندگانی خود را کار ساز است و ساعتی که در آن حلال و نیکو با لذت نفس دمساز است و خردمند را نسزد که جز این سه چیز رود: زندگی را سر و سامان دادن، در کار معاد گام نهادن، گرفتن کام از چیزهای غیر حرام.^۲

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱. روم، آیه ۷.

۲. سید رضی، نهج البلاغه، ص ۴۳۲.



«خیر لهو المؤمن الشباحه و خیر لهو المرء المفزل» بهترین سرگرمی برای مردم با ایمان، شنا و بهترین سرگرمی برای زن با ایمان ریسندگی است.^۱

رسول خدا ﷺ در جای دیگر می فرماید:

«کل لهو المومن باطل الا فی ثلاث فی نادیهه الدرس، و زمیه عن قوسه و ملاعبته امراته فانهن حق.»

«همه سرگرمی های مومن جز در سه مورد باطل است در پرورش دادن اسب و تیراندازی با کمان و بازی کردن با همسرش اینها حقند.»^۲ امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

«لهو المؤمن فی ثلاثه اشیاء التمتع بالنساء ومفاکحه الاخوان والملاء باللیل»
«سرگرمی مؤمن در سه مورد است: بهره گیری از زنان، شوخی کردن با برادران دینی و نماز شب.»^۳

پس معلوم می شود اینها همه مصادیقی هستند که از محدوده لهو و سرگرمی بیهوده و بی هدف خارج می باشند هم تیر اندازی برای مرد مسلمان لازم است و هم شنا، هم پرداختن به خانه و خانواده کاری عقلائی است و هم پرورش اسب و بالا بردن قوه و بنیه نظامی و رزمی، شوخی کردنی که از حد نزاکت و اخلاق نگذرد نیز برای مؤمن لازم بوده و خستگی روحی او را می زداید، ولی آنچه مهم است این است که همه زندگی انسان، شوخی نباشد. اسلام با همه اینها موافقت کرده و لهو و لعب را برای کودک و بزرگسال مورد تأیید قرار داده است، اما اهداف و شیوه های آن برای بزرگسالان متفاوت است و باید در جهت ارتقاء و تکامل معنوی از آن استفاده شود. از قول پیامبر

۱. محمدی ری شهری، محمد، پیشین، ج ۸، ص ۵۳۴.

۲. همان.

۳. همان.



گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «به سرگرمی و بازی بپردازید، زیرا من دوست ندارم که در دین شما سخت گیری و خشونت دیده شود.»^۱

بازی کودکان

همان طور که می دانیم انبیاء عظام الهی از لحاظ انسانیت در حد اعلای بلوغ هستند سایر انسان ها در مقایسه با آنها حکم کودک را دارند به همین جهت است که آنها از نیل به هدف والای خود، دوباره به میان انسان های معمولی که از لحاظ جسمی بالغند و از لحاظ عقل و کمال و انسانیت نابالغ، بازگشت می کنند و ضمن هماهنگی با زندگی آنها، می کوشند که دست آنها را گرفته و با خود به عوالم فوقانی کمال ببرند پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «ما پیامبران مأمور شده ایم که با مردم به اندازه عقولشان سخن بگوییم.»^۲

اگر برای توفیق در تعلیم و تزکیه انسان ها، پیامبران والا مقام، خود را در سطح انسان های عادی قرار می دهند و به زبان آنها تکلم می کنند، چه بهتر که انسان های بالغ، مخصوصاً پدر و مادرها و معلمان و مربیان نیز لحظاتی بچگی کنند و اوقاتی با کودکان، همبازی شوند تا بهتر و کامل تر بتوانند در تعلیم و تربیت آنها موفق شوند^۳ به هر حال بازی، قسمتی از زندگانی اطفال را اشغال نموده و برای آنها امری مهم به شمار می رود در روایات اسلامی و سیره معصومین علیهم السلام نیز به بازی اطفال، توجه مخصوص شده است، چرا که بازی و تحرک برای رشد و نمو نسوج بدنشان لازم بوده و شرط زنده ماندنشان می باشد امام صادق علیه السلام: «دع دینک یلعب سبع سنین وتودب سبعا» «واکرمه نفسک سبع سنین فان افلح والا فانه من لا خیر فیه»

۱. صبوری، حسین، چکیده ورزش در اسلام، ص ۶۴.

۲. بهشتی، احمد، پیشین، ص ۵۰.

۳. همان، ص ۵۱.



فرزندت را بگذار هفت سال بازی کند و هفت سال باید ادب شود و هفت سال باید ملازم او باشی، اگر رستگار شد چه بهتر و اگر نشد خیری در او نیست.^۱

در روایات دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: «الغلام یلعب سبع سنین و یتعلم الکتاب سبع سنین و یتعلم الحلال و الحرام سبع سنین»

کودک به مدت ۷ سال بازی می‌کند و هفت سال قرآن می‌آموزد و هفت سال حلال و حرام می‌آموزد.^۲

آنچه در مجموع این روایات به چشم می‌خورد، همان آزادی کودک برای بازی تا سن هفت سالگی است بازی در این دوره، برای طفل، پایه و اساس پیشرفت‌ها و موفقیت‌های آینده است، زیرا هر چه بیشتر و بهتر بازی کند هم تجربه بیشتری می‌آموزد و هم دارای روحیه پر نشاطی خواهد بود. به نظر می‌رسد که برای کودکان، فقر اقتصادی قابل تحمل است. اما فقر بازی قابل تحمل نیست. در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام گاهی حسین علیه السلام به شدت گرسنه می‌شدند و آذوقه‌ای نبود که سیرشان کند. کودکان این گرسنگی را با صبر و بردباری تحمل می‌کردند و محدودیت معیشت را به جان و دل می‌خریدند و جسم و جان خود را همچون پولاد آب دیده، صلابت و استقامت می‌بخشیدند، اما همین کودکان در مسأله بازی به هیچ وجه کف نفسی نداشتند و با انواع بازی‌ها سرگرم بودند و با هر کس که بازی با او مفید بود، حتی با پیرمردی چون ابورافع، بازی می‌کردند و البته بهترین و شایسته‌ترین همبازی آنها مقام رسالت و خاتمیت بود. در اخلاق و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است، چون از سفر باز می‌گشت، کودکان به دیدارش می‌شتافتند نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌ایستاد و آنان را می‌فرمود تا برخی از

۱. بهشتی، احمد، پیشین، ص ۸۰.

۲. همان، ص ۸۳.

کودکان را به دوش می‌کشند و چه بسا از آن خردسالانی که بدین مقام نایل شده بودند و مورد تفقد رسول الله صلی الله علیه و آله قرار گرفته بودند بر یکدیگر تفاخر می‌کردند و می‌گفتند: مرا رسول الله در آغوش گرفت و تو را پشت.

بازی و تربیت جسمانی کودک

اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم داشته باشیم و همه افراد از سلامت جسم و روح برخوردار باشند باید به کودکان، فرصت دهیم که از راه انواع بازی‌هایی که بر قدرت و نیروی آنها می‌افزاید، خود را قوی و سالم سازند.

طفلی که خوب بازی می‌کند، قوی می‌شود و طفلی که قوی می‌شود، تن به زبونی و خواری و ذلت نمی‌دهد. امام حسین علیه السلام نیز شاد و آزاد و متنوع بازی کرد و تحت نظارت مربیان، بلکه با همبازی شدن با آنها قدرت و استقامت، در وجودش استقرار یافت. او در برابر لشکر هول انگیز بنی امیه و علی‌رغم اینکه یاران بسیار کمی داشت، فرمود: «مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمکاران را جز ننگ نمی‌بینم».

آثار عزت نفس و کرامت و غیرت و شرافتمندی کودکان، در دوران جوانی و پیری آنها متجلی می‌شود و این امور، متأثر از بازی‌ها، محیط خانواده، اجتماع، تلقین‌ها و معاشرت‌ها است. چه بسا نقش بازی‌ها از بقیه بیشتر باشد زیرا پذیرفتن و تأثیر تعامل از راه بازی بسیار زیاد است.

درباره امیرالمؤمنین نوشته‌اند که:

فرزند زنی که شیرش می‌داد، می‌خواست در چاه سقوط کند، او طفل را در حالیکه در چاه آویزان بود، نگاه داشت تا مادرش آمد و او را نجات داد. با هر بچه‌ای که کشتی می‌گرفت، بر او غالب می‌شد، اسبی که در حال دویدن بود تعقیب می‌کرد و به او می‌رسید و چنان به سینه‌اش می‌زد که به عقب بر می‌گشت. درباره مسلم ابن عقیل نوشته‌اند که: مردی را می‌گرفت و به پشت بام پرتابش می‌کرد، این



سخن اگرچه کنایه است؛ اما گویای توان و شجاعت حضرت مسلم رضی الله عنه است. این جریانات، نشانگر این است که مردان بزرگ از همان دوران کودکی تمرین نیرومندی و استقامت کرده‌اند و چنین نیست که در بزرگسالی به طور خلق الساعه بدان دست یافته باشند.^۱

امروزه کودکان مسلمان از نظر رشد روحی و بدنی باید به گونه‌ای مورد تعلیم و تربیت قرار بگیرند که بتواند در آینده به عنوان جوانی برومند، پارسا و دلاور از مرزهای کشور، دفاع کرده و در برابر دشمنان میهن اسلامی ایستادگی کنند. طبق این ضرورت، پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«عملوا اولادکم السباحه والرمایه»^۲

«به فرزندان خود شنا و تیراندازی یاد دهید.»

اسب سواری، تیراندازی و شنا، هم در سلامت جسمی و روحی افراد مؤثرند و هم نیروی رزمی آنها را پرورش می‌دهد. شنا برای کودکان، از زیباترین و شیرین‌ترین و دلپذیرترین بازی‌ها و سرگرمی‌ها است. و در عین حال از ورزش‌های مفید و سازنده و رزمی است. در ضمن شنا، طفل مبارزه با خطر و مواجهه با امواج بزرگ را به همراه درگیر شدن با موج‌های کوچک آب، فرا می‌گیرد، عضلاتش ورزیده می‌شود، نفس‌های عمیق‌تر می‌شود، در موقع دمیدن بهترین استفاده را از اکسیژن هوا می‌کند و در موقع باز دمیدن، بهترین نوع تخلیه گازها و سموم را از خلل و فرج ریه خود، اعمال می‌کند، شنا اگر توأم با مسابقه باشد، حتماً مفیدتر و دلپذیرتر خواهد بود، چرا که رقابت سالم بین کودکان، آن هم در محیطی پر از آب، ذوق و شوق و نشاط آنان دو چندان می‌کند، وقتی کودکان در حال شنا را با دقت بنگریم و صدای خنده‌ها و جیغ و دادهایشان را گوش کنیم، احساس می‌کنیم آب، بهترین همبازی آنها است و انگار با تمام

۱. بهشتی، احمد، پیشین، صص ۱۸۴-۱۹۲.

۲. همان، ص ۱۴۰.



وجود از آن لذت می‌برند. همه این شادی‌ها و نشاطها باعث می‌شود کودکان، بهتر رشد کنند و در زندگی آینده موفق‌تر و شاداب‌تر باشند بهتر است ورزش‌هایی مانند شنا را از کودکی به فرزندانمان آموزش دهیم زیرا کودک از مجرای بازی و تفریح، بسیاری از امور را سهل و آسان فرا می‌گیرد.

امروز باید مفهوم اسب سواری یا حتی شترسواری که این هم وسیله‌ای برای مسابقات بوده و شخص پیامبر نیز در آن، شرکت می‌جسته، توسعه داد تا آنجا که شامل چرخ سواری، موتور سواری و تمرین رانندگی هم بشود. اگر در روزگاران قدیم شنای در آب مطرح بوده، امروز شنای در هوا هم مطرح است و بنابراین چتر بازی و پرواز با هلیکوپتر و هواپیما، همه و همه قابل توجه است. مسابقه پرش، کوه نوردی و بالا رفتن از ارتفاعات نیز می‌تواند در بازی‌های رزمی کودکان، جایی داشته باشد و برای بالا بردن قدرت جسمانی و استقامت آنها مؤثر واقع شود.

کشتی گرفتن نیز از جمله بازی‌ها و ورزش‌هایی است که در نیرومندی جسم، مؤثر می‌باشد در روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حسنین علیهم السلام فرمود: اکنون برخیزید و کشتی بگیرید. بچه‌ها به مسابقه کشتی پرداختند، مادر از خانه بیرون رفته بود. وقتی به خانه برگشت، دید رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: حسن حمله کن و حسین را بر زمین بیفکن. عرض کرد: پدر، چرا بزرگ‌تر را بر کوچک‌تر تشجیع می‌کنی؟ فرمود: دخترم آیا راضی نیستی که حسن را تشجیع کنم؟ اینک جبرئیل هم ایستاده و حسین را تشجیع می‌کند.^۱ یکی از عواملی که باعث می‌شود بازی تأثیر بیشتری در سلامت جسمانی کودک داشته باشد، برخورداری از هوای سالم و پاک است. در محیط بازی، طفل، احتیاج به هوای آزاد و نور آفتاب دارد



و نباید طفل را در جاهای کم نور و خفه قرار داد و به قول بعضی، جایی که آفتاب وارد شود طیب وارد نمی‌شود. خوشبختانه اسلام هم دستور داده دیوار خانه‌ها را زیاد بالا نبرید به منظور اینکه از نور آفتاب و هوای آزاد بهره برداری کافی شود.^۱

محیط زندگی روستایی و عشایری، از این نظر که کودکان را از محیط باز و هوای آزاد محروم نمی‌سازد، ممتاز است. اما با توجه به اینکه شهرنشینی، جاذبه‌های بیشتری دارد، مسئولین مملکتی موظفند که امکانات لازم را برای بازی کودکان فراهم سازند^۲ از مجموع آن سخنان، نتیجه می‌گیریم که بازی و ورزش مخصوصاً اگر در هوای آزاد باشد در تربیت جسمی کودک تأثیر بسزایی دارد.

۹۰

۱. شیخ الاسلام، سید جعفر؛ پرورش کودک از نظر اسلام، ص ۱۲۱.

۲. بهشتی، احمد؛ اسلام و بازی کودکان، ص ۱۸۴.

نتیجه گیری

در نظام تربیتی اسلام بازی از ارزش و جایگاه والائی برخوردار است. در مکتب اسلام آنچه به عنوان زیربنا و اساس حرکت‌های فکری و عملی انسان پذیرفته شده اعتقادات و باورهائی است که انسان در عمق وجود خویش آنها را جای داده است. اهمیت اعتقادات مکتبی را در اسلام هر محقق منصفی می‌تواند از این مکتب در یابد و آن را به وضوح احساس نماید. تربیت از آنجا که رابطه مهمی با باور و اعتقادات قلبی دارد می‌تواند نقش مهم و اساسی را بازی نماید. تمام دستورالعمل‌های مکتبی که در قرآن و فرمایش معصومین علیهم السلام آمده‌اند یا او را آماده و پرورده می‌کنند تا به راحتی حق را بپذیرد و باورهای مکتبی را در قلب خویش وارد کند و یا اینکه زمینه را برای طرد باورهای غلطی که قبلاً وارد دل او شده‌اند مهیا می‌دارد. هیچ دینی این همه به مسائل تربیتی آنها در سنین اولیه (کودکی) توجه نکرده است.

در قرآن و نهج البلاغه و کتب حدیث صدها رهنمود در این زمینه وجود دارد. اسلام برای بازی کودکان اهمیت فراوان قائل است و همیشه نظر دارد به اینکه کودکانی سالم بوجود آیند و با برخورداری از جسمی سالم به کمال مطلوب نائل گردند. بازی یکی از زمینه‌ها در قرآن و احادیث می‌باشد. تمامی اینها نشان دهنده این است که اسلام بازی را عامل مؤثری برای به کمال رسیدن کودکان می‌داند با توجه به جامعه اسلامی ایران ضروری است که تمامی برنامه‌های تربیتی براساس دستورات مکتب حیات بخش اسلام باشد. همانطور که در مقدمه عنوان گردید با وجود اهمیتی که بازی در دوران کودکی دارد و دیدگاه اسلام در این خصوص می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل تربیتی در این دوران شود. متأسفانه در جامعه ما برای آن اهمیتی قائل نبوده‌اند و بدین خاطر به بازی در مراکز تربیتی و مدارس ابتدائی اصلاً توجه نمی‌شود.



منابع و مأخذ

***قرآن

***نهج البلاغه.

۱. آقاییار، سیروس؛ شریفی، پرویز، *درآمدی برهوش هیجانی*، اصفهان: سپاهان، ۱۳۸۶.
۲. آموزگار، محمدحسن، *اسلام و تربیت عقلانی و اجتماعی*، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۶.
۳. افشاری، «پرنده»، *کودکان نیاز به بازی دارند*، نشریه پیام زن، شماره ۲۱۷، سال ۱۳۸۹، وابسته به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی CRCIS.
۴. امینایی، مریم، *سال‌های حساس رشد از تولد تا سه سالگی*، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰.
۵. امینی، ابراهیم، *آیین تربیت*، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
۶. انگجی، لیلی؛ عسگری، عزیزه، *بازی و تأثیر آن در رشد کودک*، تهران: انتشارات طراحان ایماژه، ۱۳۸۵.
۷. بهشتی، احمد، *اسلام و بازی کودکان*، تهران: اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۶.
۸. تنکابنی فرید، مرتضی، *اخلاق از دیدگاه قرآن و عترت*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.
۹. جلالی، مهدی، *روانشناسی کودک*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
۱۰. حافظ نیا، محمدرضا، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۱۱. حجتی، محمدباقر، *اسلام و تعلیم و تربیت*، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸.

۱۲. داوودی، محمد، *سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام*، تهران: مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
۱۳. دلشاد تهرانی، مصطفی، *سیری در تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۸۲.
۱۴. سن رنر، آرتو. ز، *فرهنگ لغت روانشناسی*، ترجمه: فرخنده مفیدی، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۶۸.
۱۵. شیخ الاسلام، سید جعفر، *پرورش کودک از نظر اسلام*، تهران: انتشارات امیری، ۱۳۶۴.
۱۶. صبوری، حسین، *چکیده ورزش در اسلام*، به سفارش کمیته ملی المپیک، قم: سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل تربیت بدنی استان قم، ۱۳۸۳.
۱۷. طباطبائی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۱۸. فلسفی، محمدتقی، *گفتار فلسفی (کودک)*، تهران: هیئت نشر معارف، ۱۳۶۴.
۱۹. قائمی، علی، *تربیت و بازسازی کودکان*، تهران: الهادی، ۱۳۶۴.
۲۰. کانت، ایمانوئل، *تعلیم و تربیت*، ترجمه: غلامحسین شکوهی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
۲۱. متقی، تقی، «اسلام و تربیت فرزندان»، *نشریه فرهنگ جهاد*، شماره ۳۳ و ۳۴، ۱۳۸۲، وابسته به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (CRCIS).
۲۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ترجمه: ابوالحسن موسوی همدانی، تهران: اصلاحی، ۱۳۸۶.

